

قوانین اجتماعی و خانوادگی در اسلام



عکس: جم نیوز

سنن و قوانین اسلام

ترجمه فرخ نیک‌مرام

1. قوانین مربوط به ازدواج در اسلام

یا پیوند نام «میثاق» شود. قرآن از آن به عنوان ازدواج در اسلام مراسمی الهی نیست، بلکه قرار دادی است که بین مرد و زن بسته می‌شود. در بسیاری موارد تنها داماد محلی اداره می‌«قاضی» مراسمی است که به وسیله یک «نکاح» برد (نسا 4.4). ازدواج اسلامی یامی دارند. سپس در مراسم حضور دارند و رضایت خود را از انجام این ازدواج ابراز می‌عروس و دو شاهد خانواده ای از سوی به همراه نماینده قاضی اعلام می‌کند که آن قرارداد معتبر است.

اند، شوهرتر شده‌کنند. در جوامع اسلامی مدرن که غربی و شام شرکت می‌«ولیمه» در میهمانی پیوند و با هم بعد از آن شوهر به زنش می‌مرد را قبول نکنند. ها بیشتر بر سر مراسم خواهد بود. زن حق دارد که پیشنهاد اجازه دارد خود، زن خود را برگزیند و مذاکرات بین خانواده شوند، بدون آن که زن و شوهر پیش از قرار دادریزی می‌ها برنامه‌ها از سوی خانواده هم ازدواج های اسلامی دیگر، همین امروز در سرزمین حتی یک بار یکدیگر را دیده باشند.

یک میانجی ازدواج، که معمولاً یک زن سالخورده است که به خانواده دخترها دسترسی دارد معمولاً استخدام می‌شود که دخترهای قابل ازدواج را پیدا کند. اولین گام‌ها توسط خانواده مرد برداشته می‌شوند. اگر این حس وجود داشته باشد که خانواده‌ها از نظر اجتماعی با ها، مذاکره با اشتیاق یکدیگر هم خوانی دارند، این سنت وجود دارد که از دوستی خواهش کنند تا با پدر دختر گفتگو کند. پس از این انجام می‌گیرد.

(131، ص. اسلام (تریتون،

یک بار دیگر باید گفت که سنن در بخش‌های مختلف دنیای اسلام تفاوت دارند. شوهر همچنین باید در هنگام ازدواج به همسر خود کند. در صورت‌ها با یکدیگر بر سر این میزان توافق می‌است. خانواده مهریه بدهد (نسا 4.4). میران مشخصی برای مهریه مشخص نشده اطلاق، مرد نمی‌تواند مهریه را پس بخواهد.

و اگر خواستید زنی را به جای زن دیگری به همسری بگیرید، حتی اگر به این زن گنجی به عنوان مهریه بدهید، آن را پس نگیرید. آیا (نسا 4.20) توان آن را با تهمت و اعمال غلط پس گرفت؟ می

هستند مجاز بت پرست شان بر اساس قرآن، مسلمانان اجازه دارند با سایر مسلمانان ازدواج کنند ولی ازدواجشان با دخترانی که خانواده نیست؛ مگر آن که به اسلام ایمان بیاورند. (البقره 2.221)

اما ازدواج آنان با زنان اهل کتاب مجاز است. اهل کتاب به معنای یهودی‌ها، مسیحی‌ها یا هر دین دیگری می‌شود که پیرو کتاب آسمانی

مدون شناخته شده باشند. (سوره المائده 5.6)

پرست مجاز نیست، به صورت مشخص عنوان شد که ازدواج با افرادی که به پس همانطور که بیان شد که ازدواج با مردان و زنان بت عرب بت پرست و همانگونه که در قرآن آمده است، این قاعده تنها محدود به زنان مجاز است. های معین مومن هستند (اهل کتاب) دین (506 ، ص. دین اسلام توانند در سر تا سر دنیا با زنان اهل کتاب ازدواج کنند. (علی، نیست. افراد می

با این وجود حدیثی وجود دارد که در آن مردانی که زنان مسیحی را، پیش از مسلمان شدن، به همسری می گیرند مورد تمسخر قرار می دهد:

الله به مردان اجازه گفت: شد، او همیشه می نویسد: هر بار که از ابن عمر در مورد ازدواج با یک زن مسیحی یا یهودی پرسش می نافی می داد تا با زنانی ازدواج کنند که در هنگام عبادت او به همسر خود استناد کند و هیچ چیز بهتر از استناد به همسر در هنگام دعا نیست. (155 صحیح البخاری، ج 7 ص. « گوید که مسیح خداست، در حالی که شوهر تنها غلام الله است. در دعا: زن می بعد؛

در هر حال، زنان مسلمان مجاز نیستند که با مرد غیر مسلمان ازدواج کنند، این اختیار تنها به مردان مسلمان داده شده است. اگر زنی مسیحی مسلمان شود و شوهرش همچنان مسیحی بماند ریال آن زن می تواند شوهر خود را طلاق دهد. این یکی از موارد اندکی است که در اسلام زن می تواند شوهر خود را طلاق دهد.

قرآن همچنین مانند انجیل، ازدواج با خانواده نزدیک را ممنوع نموده است. (النساء 4.23) همین سوره شوهر را رئیس خانواده قرار می دهد و از زن می خواهد که در نگهداری از خانواده و غیره به مرد تمکین نماید.

مردان محافظان و نگهداران زنانند، چرا که خداوند به مردان بیشتر از زنان (قدرت) داده است و (مردان) آنان را در مایحتاج زندگی مورد حمایت قرار می دهند. (نسا 4.34)

2. متعه (صیقه) یا قوانین ازدواج موقت

یکی از موارد موجود در اسلام که امروزه موجب خجالت مدافعان اسلام می شود، ازدواج موقت یا متعه است. این عمل در اسلام شیعه قرن هاست که مجاز است اما در اسلام سنی سال هاست که ممنوع شده است.

این قانون منسوخ شده است. البته شود که این ای محدود از سوی پیامبر مجاز بوده است. با این حال گفته می برای دوره موقت ازدواج گذاری اخلاقی بدون شک بزرگترین لکه بر روی قانون «متعه» های موقت به نام همچنان پا بر جاست. این ازدواج شیعیان میان در عمل (119 ، ص. هایی بر دین محمد یادداشت آیند. (هیوز، محمد به حساب می

قانونی کهن ظاهرا به مردانی که از خانه پدر و مادر خود خارج می شدند این اجازه را می داد که برای باب دل خودشان قرار داد ازدواج موقت بنویسند. به نظر می رسد که قرآن آن را مجاز می داند و محمد نیز آن را برای جنگجویان خود آزاد کرده بود. اما ظاهرا عمر این عمل ، ص. بنیادهای اسلامی دموکراتیک - دانست، در حالی که شیعیان به قانونی بودن آن همچنان اعتقاد دارند. (گادفری را فساد اخلاقی می 133)

ای کسانی که ایمان آوردید، کارهایی که مجاز است را غیر» شود که در آن آمده است که سنن مربوط به این مسئله مربوط به سوره مائده می هاجا اشاره مستقیمی به متعه نشده است و آزادی در این (5.90) «مجاز نکنید، اما افراط نکنید زیرا خدا افراط کاران را دوست ندارد دهد که محمد در ابتدا به شفافیت است باشد. اما حدیث به روشنی نشان می ممکن است در مورد هر چیز دیگری که خدا مجاز دانسته اجازه این کار را داده است.

ج. 2، صحیح مسلم پیامبر خدا (ص) نزد من آمد و به ما اجازه داد تا قرار ازدواج موقت بگذاریم. (« سلامه، الاکوا و جابر. عبدالله گفت: ص. 706).

رابی صبرا گفت که» دهد این است برد و اجازه ازدواج موقت را نمی یک حدیث دیگر که ظاهرا حدیث پیشین را کاملا زیر سوال می (صحیح مسلم ج. 2، «پدرش که از نزدیکان پیامبر خدا (ص) بود، از وی شنید که ازدواج موقت بر خلاف ازدواج معمول مجاز نیست «اند ولی بعدا ممنوع شدند. هایی در طول زندگی محمد مجاز بوده توان این گونه توضیح داد که چنین ازدواج ص. 707) این تفاوت را می به نظر این بهترین توضیح است و چنین توضیحاتی در حدیث نیز آمده است:

ای مردم، من به شما اجازه ازدواج موقت را داده» به قول پیامبر: صبرا الجوهانی به قول پدرش، زمانی که با پیامبر خدا (ص) بود گفت بودم اما الله آن را ممنوع کرده است، تا روز قیامت. پس هر کدام از شما که چنین زنانی دارید، آنان را رها کنید و آنچه به آنها داده اید ج. 2، ص. 707) صحیح مسلم. («مهریه) را از آنان نگیرید

ص. موطا امام مالک) «کرد. ممنوع خیر پیامبر خدا (ص) متعه و خوردن گوشت خر را در روز جنگ» گوید: علی بن علی طلیب می (240)

را نیز نباید نادیده «دمومباینز - گادفروید» به گفته رسد که متعه در اوایل ظهور اسلام مجاز بوده است. نقل قول عمر، پس به نظر می داستانی نیز وجود دارد که در دوران خلافت عمر، زنی نزد او رفت و گفت فلان مُعَرَّب زنی را موقتی به همسری گرفته است و گرفت. این ازدواج موقت است و اگر من قبلاً آن را حرام کرده بودم، اکنون دستور سنگسارش را صادر» حالا زن باردار است. عمر گفت اند تاهایی در عربستان مجاز بوده‌های این چینی افرادی را به این فکر انداخته است که چنین ازدواج (موطا امام مال). داستان «کردم می دهد که محمد این عمل آید. به هر حال حدیث دیگر نشان می‌را ممنوع کرد، اما این به نظر درست نمی‌این گونه از ازدواج زمانی که عمر را تا نبرد خیبر مجاز می‌دانسته است.

3. قوانین و عمل طلاق در اسلام

در بخش‌های قبلی این کتاب خواندیم که ابو داود حدیثی را نقل کرده است که در کل به این معناست که از تمامی چیزهایی که خداوند برای مردان آزاد گذاشته است، طلاق ناراحت کننده‌تر است.

، ص. 191) دین اسلام طلاق مباح است و در صورت امکان باید از آن خودداری کرد. (کلاین،

هایی در سر راه داند، مانع طلاق را کاملاً مجاز می‌قرآن کند. با وجود این که قرآن در دو بخش به طور مشخص در مورد طلاق صحبت می‌گفته شده است: صورت الطلاق آن قرار داده است. در

ای پیامبر. اگر زنی را طلاق می‌دهی، او را در دوره مشخص خود طلاق بده و این دوره را با دقت حساب کن. و از خداوند بترس. و آنان را فحشای عمومی از آنان سر زده باشد. خدا شان بیرون روند، مگر این که هایشان بیرون نکن و خود آنان نیز نباید از خانه از خانه محدودیت‌هایی گذارده است. و هر کس محدودیت‌های خدا را بشکند به راستی به روح خود ظلم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خدا شرایط دیگری را به میان آورد. (الطلاق 65.1)

ای مشخص وجود اما موانع قابل توجهی دارد. باید دوره (9-8-19). پس طلاق در اسلام آنگونه که در مسیحیت است، گناه نیست (متی پیش از آن که طلاق نهایی شود. شوهر گیرد (البقره 2. 228) های سه ماهه صورت می‌شود، که در دوره گفته می‌عده داشته باشد که به آن برای طلاق زن اعلام کرده باشد، باید سه ماه صبر کند تا بتواند در عمل جدا شود. زن نیز در این را پس از آن که در سه نوبت برنامه خود مدت باید در خانه بماند که مشخص شود که آیا او باردار است و یا شاید راه حلی برای مسئله پیدا شود.

طلاق روندیست که با جدایی فیزیکی شروع می‌شود و پس از پایان دوران عده به نهایت می‌رسد. این دوره باید به درستی محاسبه شود و طلاق تا پایان واقعی این دوره کامل نشده است. در این هنگام نیاز به هیچ حرکت عمومی نیست. در این دوره زن نباید از خانه شوهر خارج شود و مرد نیز نمی‌تواند او را بیرون کند، مگر این که در این دوره، زن دچار یک ننگ عمومی شود. وگرنه در ظاهر زن و مرد باید و امید داشته باشند که راه حلی برای مشکلاتشان پیدا شود، یا به گفته قرآن، الله راه جدیدی پیش مانند گذشته با یکدیگر زندگی کند (ج. 29، ص. 62) دنیای اسلامی، «محمد و طلاق در اسلام در قرآن» رویشان بگذارد. (بل

و زنان خود را در موقعیت مناسب و مساوی رها کنند. (البقره خواهد که در دوران طلاق بسیار دقت کنند قرآن همچنین از مردان می (2.231) آن‌ها نباید آنان را آزار بدهند و زخمی کنند یا اجازه ازدواج با همسر پیشینشان را به آن‌ها ندهند. (البقره 2.232). با وجود این شود که متارکه یا زنا باید اول صورت بگیرد یا در هیچ کجا ذکر نمی‌گیرد. نصایح دقیق، قرآن هیچ گونه شرایطی برای طلاق در نظر نمی‌انداخته است شوهر نیاز به ارائه هیچ گونه دلیلی برای طلاق دادن دارد. سکوت قرآن در این زمینه بسیاری از اندیش گران را به این فکر که مرد می‌تواند هر وقت که دلش خواست زن را طلاق دهد.

با توجه به این که از مرد توضیحی برای طلاق خواسته نشده است، مرد می‌تواند به دلخواه خود زنش را طلاق دهد. چنین حقی اما به زن انجامیده است که عواقب شدیدی در پایین آوردن مرتبه زن در اسلام داشته است. عدالتی به دوگانگی و بی داده نشده است و همین مسئله ، ص. 121) چارچوب اجتماعی اسلام (لیوای،

به دلخواه خود تواند تصور این که یک شوهر می‌« عالمان اسلام بلافاصله از این مسئله دفاع می‌کنند. یکی از نویسندگان نوشته است: ، ص. 551) دین اسلام بگذارد، تحریف بزرگی از قوانین طلاق در اسلام است. (علی، زنش را کنار

نویسنده در ادامه شرایطی را بیان می‌کند که در آن زن می‌تواند شوهر خود را طلاق دهد، مثلاً زمانی که شوهر گم شده و پیدا نمی‌شود، که در آن حال باید مهریه را برگرداند، یا زمانی که زن به اسلام می‌گردد و شوهرش غیر مسلمان است.

مطالعه عادلانه و بی‌طرفانه قوانین اسلام شما را به این نتیجه می‌رساند که اگرچه مردان به هر دلیلی می‌توانند زن خود را طلاق دهند، این

قانون کلی اسلام این است که طلاق حق مرد است. قوانین باید با احتیاط دست به آن زد. با این همه، است و حساس برای مردان هم مسئله هستند: واپس گرایانه مورد بسیار حنفی بخصوص در این

است، زیرا که آنان به زن هیچ گونه حقی گرایانه تر از دیگران واپس در این مسئله پایان دادن به ازدواج، قوانین حنفی سخت تر و مرد برای یک تنه کنار تمایل ها، از هر راه دیگر. همانگونه که مانند سایر سنی یا چه از راه قضایی دهند، هیچ گونه طلاق را نمی برای حتی بیان این که مرد اند، از آن هم پیشتر رفته اند و ازدواج برای مرد هیچ گونه پایبندی و رسمیتی ندارد. کافی دانسته گذاشتن زن خود را می خواهد زن خود را طلاق دهد تاثیر خاصی ندارد. پس زن نه می تواند شوهر خود را طلاق دهد و نه می تواند طلاق خود را از او بگیرد مگر در زمانی که خود مرد اجازه آن (تفویض الطلاق) را به زن بدهد. زن از نظر مالی کاملا وابسته به مرد است. زن حتی اجازه طلاق از دادگاه را هم ندارد، هر چقدر هم که کتک خورده باشد و برای هر مدتی که رها شده باشد. حتی اگر زن متوجه شود که با مردی که ج. 41، تغییرات جدید در قانون شریعت 5 تواند طلاق بگیرد. (اندروسون ازدواج کرده است، نمی بیماری وحشتناک و واگرداری دارد ص. 271).

به طور مشخص، تنها جایی که به وضوح از طلاق صحبت می کند این حق را به مرد داده است و نصایحش متوجه مردان است و اسمی از زنان نمی رود.

قرآن یک قانون در مورد طلاق دارد که به سختی می توان آن را درک و توجیه کرد. این قانون در این جمله پیداست:

پس اگر یک مرد زن خود را طلاق داد (بدون برگشت) (سه طلاقه)، دیگر نمی تواند با آن زن ازدواج کند، مگر این که آن زن با مرد تواند دوهای پیش از آن آمده است که مرد تنها می در آیه دیگری ازدواج کرده باشد و مرد دوم نیز او را طلاق داده باشد. (البقره 2.230) اند که تنها راه ازدواج برای بار سوم، این است که با او ازدواج کند. علما از این آیات به این نتیجه رسیده بار با زن خود ازدواج کند و باز هدف این آموزه به روشنی این است که مردان نتوانند دائما زن یک بار با مرد دیگری ازدواج کند و پس از آن با شوهر قبلی ازدواج کند. امنیت بیشتری داشته باشند. اما تا زنان ایجاد کردن برای زن استفاده کنند زن خود را طلاق دهند، از طلاق به عنوان تهدید یا برای مشکل حدیثی در این شود که زن مجبور شود وارد ازدواج دیگری شود تا بتواند همان ازدواج اول را دوباره از سر بگیرد. در عمل این موجب می مورد، این قانون را مسخره و نگران کننده تر از آن می کند که تا به حال بود:

عایشه گفت: مردی زنش را با گفتن این که می خواهد او را طلاق دهد، سه بار طلاق داد. زن ازدواج دیگری کرد و او نیز او را طلاق داد. تواند به شوهر اول می در صورتی خیر، او تنها» تواند با همسر اولش ازدواج کند یا خیر. پیامبر جواب داد: شد که آیا او می از پیامبر پرسیده ج. 7، ص. 136) صحیح بخاری). «برگردد که شوهر دوم عمل ازدواج را با او انجام داده باشد، همانگونه که شوهر اول انجام داده بود

در عین حال جالب است بدانید که یک مرد نباید حتما سه بار ازدواج کرده باشد و زنش را طلاق داده باشد تا چنین موقعیتی پیش آید، یکی از دانشمندان غربی و برای ازدواج مجدد، زن باید با مرد دیگری ازدواج کند. تواند در طلاق اول زنش را سه طلاقه کند تنها مرد می راه بازگشت به و بلافاصله «تو را طلاق دادم» نام این را طلاق مطلق گذاشته است که در آن مرد تنها باید سه بار این کلمات را تکرار کند: ص. 122) به هر حال دشوار هایی بر دین محمدیادداشت مگر این که مرد دیگری اول با زن ازدواج کند. (هیوز، شود، ازدواج بسته می است که از شنیدن این نکته کسی جا نخورد. در واقع اینجا قانون هیچ جایی برای دوباره اندیشیدن، سوء ظن یا تاسف هر دو طرف دانست. (متی 5.32) دیگر مهم نیست که می «زنا» کند که مسیح آن رارسد که زن را وادار به انجام کاری می نگذاشته است و به نظر می های دیگر همین در کتاب ای که تنها با او تجربه کرده بود. او تمایل دارد به همسر واقعی باز گردد، بدون زیر پا گذاشتن رابطه صمیمانه نه تا زمانی که شوهر دوم» (ج. 2، ص. 730) نوشته است که پیامبر گفت: صحیح المسلم حدیث نیز آمده است با این تفاوت که در ، اگرچه شوهر دوم او را طلاق داده بود. این به نظر بی عدالتی وحشتناکیست که قرار بوده است «شیرینیش را مانند مرد اول نچشیده باشد را بگیرد. دهد هر روز فکر خود را تغییر این که شوهر اول را تنبیه کند و جلوی

هایی که تک در جاهای دیگر، مثلا در مکان در بسیاری از مناطق مسلمان نشین، مثلا در شمال آفریقا، طلاق مسئله اجتماعی معمولیست. همسری به صورت حالت عادی ازدواج تبدیل شده است، آمار کاهش چشمگیری دارد.

4. قوانین جزایی اسلام - حدود

در سال های اخیر اخبار زیادی به گوش می رسد که در کشورهای مسلمان قوانین شرع را به کار می برند. این به این معناست که قوانین قرآن از این پس قوانین آن کشور است. و این به این معناست که مجازات های قرآنی مانند شلاق برای زنا یا بریدن دست و پا برای دزدی دوباره قابل اجرا شده اند. اخبار انجام این مجازات ها در جاهای مختلف مانند سودان، پاکستان، عربستان سعودی و غیره به گوش می رسد. در با این که این ولی در عربستان سعودی چنین قانونی وجود ندارد. موریتانی دزد این حق را دارد که دستش را قبل از بریدن بی حس کنند ذهن خود، برای اجرای فرامین قرآن همه تلاش خود را آیند، اسلامگرایان بنیادگرا، در اعمال برای سایر افراد دنیا وحشیانه به حساب می می کنند. با این عمل اعتبار اسلام زیر سوال می رود. یک نویسنده در مورد تغییرات اخیر در پاکستان نوشته است:

دزدی حالا با بریدن دست تنبیه می‌شود، زناى مسلمانان با سنگسار، مشروب خوردن با 80 ضربه شلاق و غیره. قوانین اسلامی و حدود بدون هیچ کم و کاستی با فشار علما اجرا می‌شوند. و این علما حاضر به هیچ گونه سازشی با دیگران برای تطبیق اسلام با دنیای مدرن نیستند. (ص. 126) اسلام: از دید مسیحیت نکردند. (نظیر علی؛

شود که مجردان این اجرای سنت، دیده می‌باید 100 ضربه شلاق بخورند (النور 24.2) و در دهد که زناکاران قرآن با شفافیت توضیح می‌دهند مجازات را دریافت می‌کنند و کسانی که ازدواج کرده باشند سنگسار می‌شوند. در عربستان، مجازات معمول برای زنا، سر بریدن است. در مورد دزدی، قرآن به روشنی بریدن دست و پا را آموزش می‌دهد:

همچنین دزد، چه زن و چه مرد، در راه خدا مثلا (دست) او را ببرید، مجازاتی با عبرت از سوی خدا برای جرم آنان، و خدا تواناست. (المائده 5.41)

در حدیث این مجازات تنها برای اشیای قیمتی اختصاص داده شده است.

(صحیح مسلم، «نباید بریده شود مگر برای دزدی به اندازه ربع دینار یا بیشتر. دست دزد» که پیامبر خدا (ص) گفت: گوید عایشه می‌ج. 3، ص. 907)

نباید دست خود را از دست اگر برده مال اربابش را بدزد نیز و دست در هنگام دزدی گیاه یا میوه نباید بریده شود. گویند که سایر سنن می‌نیز بریدن دست جایز یا زمانی که مال دزدی کمتر از ربع دینار ارزش داشته باشد چرا که برده و تمامی دارایی اش مال ارباب است. بدهد نیست. به هر حال این تنبیه بیش از اندازه خشن است و بیشتر برای انسان‌ها و دولت‌های اولیه مناسب است. دست کم یک مورد سنت در آورده شد و دزدی نزد پیامبر خدا (ص) «کند. قربانی را حتی بیشتر تحقیر می‌چرا که کند حدیث طبیعت وحشیانه این عمل را تشدید می‌دستش را بریدند. سپس او دستور داد که دست بریده را از گردن او آویزان کنند. (سنن ابوداود، ج. 3، ص. 1230) او برای مدتی مجبور مجازاتی عصبانی کننده. بیش از 2000 سال پیش، یک عالم غربی نوشت: در حالی که دست به گردنش آویزان بود دوره بگردد. بود

(یا بدنه قوانین «قوانین ژوستینین» رسد ولی شود، بریدن دست، که در نگاه اول کافی به نظر می‌دزدی با بریدن اعضای بدن مجازات می‌مدنی) که اجازه نمی‌دهد مجرم معلول شود منطقی‌تر است، چرا که دزدی، که دلیل نخستش فقر است، در اثر معلول شدن فرد تشدید می‌شود. (ص. 150) گفتگوی ابتدایی قرآن تواند کار صادقانه انجام دهد. (سیل شود و فرد نمی‌می

تر و با مدنیت قرن بیستمی در کشورهای اسلامی نگران کننده است. امید به آن است که افرادی عاقل «حدود» به این دلیل است که ظهور در سال‌های آینده، در برابر تفکرات پس‌گرد که می‌خواهند ساعت را به عقب باز گردانند پیروز شوند.

5. های ممنوع در اسلام غذاها و نوشیدنی

اکثریت مردم می‌دانند که مسلمین مانند یهودیان بین غذاهای حلال (به معنای آزاد از منع) و حرام (به معنای جداسازی شده) تفاوت قائل می‌شوند. در مورد غذا، حلال و حرام بین مسلمانان و یهودیان بسیار شباهت وجود دارد:

او تنها گوشت مردار، خون و گوشت خوک و هر چیزی که بر آن نام خدا نباشد را برای تو حرام کرده است. اما اگر کسی ناچار شد و بدون ترین است. (البقره 2.173) او گناهکار نیست. زیرا خداوند بخشنده [این موارد را بخورد] نافرمانی، خواست خود و بدون تلاش برای

تمامی انواع ماهی و غذاهای دریایی برای مسلمانان مجاز است. (المائده 5.99) غذاهای حرام برای مسلمانان برای یهودیان و حتی (16-10 9 ممنوع بوده است (اعمال رسولان مسیحیان اولیه، پیش از نگاه آزادی

اندازد که آیا است و این فرد را به فکر می «اعمال رسولان 15.18» مشکوک است که جدای از گوشت خوک، سایر لیست دقیقا شبیه محمد در تفکرات در شبه جزیره عربستان تا این حد به هم شباهت داشته اند که یهودیت، مسیحیت و اسلام اینقدر شباهت دارند؟ (وات ص. 200) حتی گوشت برای مسلمانان زمانی حلال است که در حین کشتن حیوان نام خدا به زبان آورده شود. (مائده 5.5) تسمیه مدینه (بسم الله الرحمن رحیم) باید بالای سر حیوان انجام گیرد. با این وجود قرآن می‌گوید که غذای سایر اهل کتاب برای مسلمانان نیز حلال است و هر دو می‌توانند دور میز یکدیگر غذا بخورند. بعید است که بین یهودیان و مسلمانان در زمینه غذا تفاوت‌های زیادی وجود داشته باشد.

گوید که این قوانین بر غذای یهودیان آشنایی داشته است. و البته محمد می‌دهد که پیامبر اسلام با قوانین به ما نشان می‌های بالانقل قول یهودیان به دلیل شرارتشان تحمیل شده اند. با این وجود، حتی اگر هم می‌خواست، نتوانست که تمامی این مشخصات را از بین ببرد و بگوید که همان غذا کاملا پاکیزه است و خوردن آن حلال. به این دلیل که در بسیاری موارد او نیز مسائلی را حرام می‌داند که در میان (ص. 113) قانون اجتماعی قرآن یهودیان هم مجاز نیستند؛ مانند مردار، خون و گوشت خوک. (رابرتس

و یک مسلمان معتقد باید پس از خوردن غذا نیز خدا را شکر گیرد قرار می حتی تسمیه نیز برای برکت بخشیدن به غذا مورد استفاده بگوید.

«الحمد لله» بگوید و با «بسم الله» هر گاه شخصی شروع به خوردن کرد ها پیش و پس از غذا شسته شوند و شده است که دست پیشنهاد (ص. 601) دین/اسلام غذای خود را به پایان برساند. (علی

«آیند نوعی سایه است از چیزهای خوبی که می» ولی در مسیحیت وجود ندارد. غسل و سواس در مورد شستن دست به عنوان نوعی (متی 15.2) مشروبات الکلی همه شود. می منتهی و قضاوت کردن دیگران ای که همواره به حق به جانب بودن (عبریان 10.1) و سایه برای مسلمانان حرامند. با آن که قرآن در ابتدا با آن مخالف نبود و فوایدی در اندکی شراب می دید، در پایان به این نتیجه رسید که زیان هایش به فوایدش می چربد. (البقره 2.219). در سایر سوره ها مومنان از آمدن به نماز در هنگام مستی منع شدند. (الحاقه 4.43) و (94 - 93. 5. بعدها شراب کلا ممنوع شد. (مائده

در تمام دنیا برای مسلمانان حالت اجباری دارند و زندگی افراد مسلمان تحت تاثیر آن قرار دارد. این در حالیست قوانین اجتماعی اسلام که بسیاری از قوانین اسلام قابل ستایش هستند ولی بسیاری دیگر باید مورد انتقاد قابل توجهی قرار گیرند.

منبع: <http://answering-islam.org/Gilchrist/Vol1/8b.html>